

فراز و نشیب قرآن پژوهی

مجله پژوهش و حوزه، به منظور بررسی فعالیت‌های قرآن پژوهی در سطح مراکز علمی - پژوهشی کشور، با طرح پرسش‌هایی درباره رسالت مراکز قرآن پژوهی، توانمندی‌ها و کاستی‌های مراکز، راه‌های تعامل مراکز با یکدیگر، چگونگی ارزیابی و نظارت بر فعالیت‌های قرآن پژوهی و جایگاه مدیریت حوزه و معاونت پژوهشی در این عرصه، دیدگاه محققان و قرآن پژوهان را در زمینه‌های یاد شده جویا شد. در این تلاش علمی، جمعی از فرهیختگان عرصه قرآن پژوهی دعوت مجله را قرون‌تانه اجابت و دیدگاه‌های ارزنده خویش را ارائه کردند، که به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

حجج اسلام والمسلمین علی اکبر بابایی، عضو هیئت علمی پژوهشکده حوزه و دانشگاه؛ علی خراسانی، مسئول مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ عبدالحسین خسروپناه، مسئول مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه؛ محمد علی رضایی، مسئول انجمن علمی قرآن پژوهان؛ محمدفاکر میبیدی، مسئول مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن؛ سید رضا مؤدب، عضو هیئت علمی دانشگاه قم؛ علی احمد ناصح، مسئول دانشکده علوم قرآنی قم؛ علی نصیری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

پژوهش و حوزه

رسالت و مأموریت اصلی مراکز قرآن پژوهی چیست؟

علی اکبر بابایی: الف. تعمیق و توسعه مباحث علوم قرآنی و تفسیر قرآن کریم؛
ب. تربیت محققان عمق نگر و مولد علم در زمینه مباحث علوم قرآنی و تفسیر
قرآن کریم؛

ج. تربیت اساتید آگاه و با مهارت برای دروس قرآن شناسی و تفسیر در مراکز
علمی مختلف حوزه و دانشگاه؛

د. تألیف منابع درسی عمیق و جامع و کتاب‌های درسی مناسب برای دروس علوم
قرآنی و تفسیر در سطوح مختلف؛

هـ. پاسخ به پرسش‌ها و شبهه‌های مربوط به قرآن شناسی و تفسیر و تاویل قرآن کریم؛
و. تألیف کتاب‌های عمیق و دربردارنده دیدگاه‌های شیعه به زبان عربی، انگلیسی
و... در مباحث علوم قرآنی و تفسیر برای نشر در کشورهای دیگر.

علی خراسانی: به قطع تبیین و ارائه معارف و آموزه‌های قرآن به زبان روز برای انسان
معاصر یکی از مهم‌ترین رسالت‌های مراکز قرآن پژوهی است. دفاع از حقانیت قرآن و
آموزه‌های آن را نیز از عمده وظایف این مراکز می‌توان شمرد؛ زیرا با توجه به تلاش‌های
فراوانی که امروزه از سوی دشمنان اسلام و قرآن انجام می‌شود تا در حقانیت قرآن و
الهی بودن آن ایجاد تردید نمایند، وظیفه هر مسلمانی به ویژه قرآن پژوهان و مراکز
پژوهشی است تا با تحلیل و تبیین موضوعاتی همچون وحی، نزول و اعجاز از حقانیت
قرآن دفاع کرده و الهی بودن آن را تثبیت کنند و راه را بر دشمنان ببندند.

نوآوری و پاسخگویی به نیازهای انسان معاصر وظیفه دیگری است که بر عهده
مراکز قرآن پژوهی است. تحقیقات و پژوهش‌ها می‌بایست در مسیر پاسخگویی به
پرسش‌هایی باشد که جامعه را به خود مشغول داشته است. ما معتقدیم قرآن معجزه
جاوید پیامبر است و باید تا قیامت نقش هدایتی خود را ایفا کند و این مهم جز با
استنطاق دائم و همیشگی از قرآن امکان پذیر نیست.

عبدالحسین خسروپناه: در اینکه رسالت و مأموریت اصلی همه مراکز قرآن پژوهی چیست،
نمی‌دانم؛ اما گروه قرآن پژوهی پژوهشکده حکمت و دین پژوهی در «پژوهشگاه فرهنگ

و اندیشه اسلامی» با اهداف و رسالت‌های ذیل فعالیت می‌کند:

۱. اهتمام ویژه به احیا و توسعه مطالعات درونی در حوزه‌های گوناگون فکری، اعتقادی، رفتاری و ارزشی با لحاظ علوم، دیدگاه‌ها و مسایل نوپدید.
۲. نقد و بازپژوهی، تنسیق و ارائه ساختارمند معارف قرآنی ناظر به اندیشه‌ها و نیازهای زمان در قلمرو معارف گوناگون بینشی و ارزشی قرآن.
۳. آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی و نقد برداشت‌های نادرست از معارف معصوم و حیانی و پاسخ به شبهات القایی در قلمرو معارف قرآن.

گروه قرآن و حدیث مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه نیز در پی پاسخ به پرسش‌های قرآنی سطوح مختلف مردم اعم از کودکان و نوجوانان، جوانان، دبیرستانی‌ها و دانشجویان و همچنین در مقام کشف شبهات قرآنی از کانون‌های شبهه و پاسخ به آنها است. به همین دلیل، آثاری با عنوان تحریف‌ناپذیری قرآن، قرآن و فرهنگ زمانه را موضوع پژوهش‌های خود نموده است. به نظر بنده، همه مراکز باید با رویکرد اثبات-توصیف، تحلیل، تبیین و استدلالت، به مدعیات قرآنی بپردازند.

همچنین با رویکرد سلبی آرای مستشرقان را نقد کنند؛ مثلاً دایرة المعارف قرآنی لایدن که اخیراً منتشر شده است، مطالب نادرست و غیر منطبق با اعتقادات مسلمین و تشیع دارد و بر پژوهشگران و مراکز قرآنی است که این گونه مقالات و مدخل‌ها را نقد و ترجمه و ارسال نمایند. *تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی*

محمدعلی رضایی: به نظر می‌رسد که مراکز قرآن پژوهی سه رسالت اصلی دارند: ۱. تبیین مسائل و معارف قرآنی؛ ۲. دفاع از ساحت مقدس قرآن در مقابل شبهات و هجمه‌ها؛ ۳. گسترش فضاها و تحقیقات جدید.

در بُعد تبیین معارف قرآنی باید گفت در حال حاضر بسیاری از مسائل قرآنی هنوز ناگفته مانده و کشف نشده است. مثل تفسیر موضوعی که عمده‌تاً بعد از انقلاب شروع شده است. هرچند علامه طباطبایی در تفسیر المیزان گاهی بحث‌هایی دارد که رنگ تفسیر موضوعی به خود گرفته، ولی آنچه با نام منشور جاوید آقای سبحانی یا پیام قرآن آیت الله مکارم شیرازی و تفسیر قرآن مجید آیت الله جوادی آملی در آمد، در حقیقت کمتر از بیست سال است که در حوزه نشر یافته و جوان است. ما برای تحقق این

رسالت و تبیین معارف قرآنی در بعد تفسیر موضوعی فعالیت‌هایی را در «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه» شروع کرده‌ایم. بخشی از این تلاش‌ها به موضوع «قرآن و زندگی» اختصاص دارد. این موضوع به ارتباط قرآن با زندگی بشر خواهد پرداخت و آداب معاشرت، ازدواج، خانواده و مسائلی از این دست را بررسی خواهد کرد. مجموع این مباحث را به صورت تفسیرهای موضوعی می‌توان برای چند سطح نوشت. هم برای عموم مردم، هم برای جوان‌ها، و هم برای افراد متخصص؛ مثلاً موضوع مدیریت و قرآن، جامعه‌شناسی و قرآن و نگاه‌های تربیتی قرآن که بحثی تخصصی است. بنابراین، پرداختن به موضوع معارف قرآنی - به‌ویژه در بعد تفسیر موضوعی قرآن - رسالتی اساسی برای مراکز قرآن پژوهی به شمار می‌رود.

دومین رسالت مرکز قرآن پژوهی دفاع از حریم قرآن در مقابل هجوم‌های جدی و جدید است؛ همان‌طور که مذهب شیعه نیز خیلی مورد هجوم واقع شده است؛ به طوری که حجم کتاب‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی علیه شیعه نوشته شده است، نسبت به قبل چند برابر شده است. راجع به قرآن هم همین‌طور است. اخیراً در لایتنن دائرةالمعارف قرآنی نوشته شده که هم اکنون حدود هفتاد مقاله آن را اینجا ترجمه کرده‌ایم. غربی‌ها با چه انگیزه‌ای راجع به قرآن دائرةالمعارف می‌نویسند؟ آیا ما هم چنین انگیزه‌ای داریم تا راجع به کتاب مقدس دائرةالمعارف بنویسیم؟ در پاسخ باید گفت نفوذ انقلاب اسلامی در دنیا، رشد یکباره قرآن در کشورهای اسلامی و غربی کفرافکن‌هایی در این زمینه در کشورهای عربی، غربی‌ها را به این نتیجه رساند که باید کاری را برای شناسایی قرآن انجام دهند. خانم مک اولیف در مقدمه دائرةالمعارف می‌گوید:

ما باید اینها را بشناسیم. به دنیا معرفی کنیم. دانشجویان را در غرب بر اساس این فهم خودمان تربیت بکنیم.

غربی‌ها در لابه لای این‌گونه کارها هجوم‌های خود را سامان می‌بخشند و سم‌شان را تزریق می‌کنند. امروزه روش حمله به قرآن همانند روش صد سال پیش نیست که مثلاً تناقضات القرآن بنویسند. تناقضات القرآن را می‌توان به راحتی جواب داد؛ زیرا می‌دانیم با چه چیز طرف هستیم. افرادی مانند خانم مک اولیف در همین دائرةالمعارف قرآن، مقاله فاطمه زهرا - سلام الله علیها - را نوشته است. وقتی عنوان مقاله را می‌بینی، با خود می‌گویی چه آدم‌های خوبی هستند که راجع به حضرت زهرا

در قرآن مقاله نوشته‌اند! اما وقتی مقاله را با دقت می‌خوانی، می‌گویند راجع به حضرت زهرا دو تا آیه وجود دارد که یکی در سندش عکرمه است و اعتبار ندارد. بنابراین، به صورت علمی وارد جنگ شده و اساس این موضوع را هدف قرار می‌دهد. اینجا است که دفاع از ساحت مقدس قرآن در این حوزه‌ها و با روش‌های نو یکی دیگر از مأموریت‌های مراکز قرآن پژوهی به حساب می‌آید.

سومین رسالت مراکز، گسترش فضاهاى جدید است؛ مثل تفسیرهای تخصصی، تفسیر قرآن برای دانشجویان و دانش‌آموزان؛ حتی ترجمه قرآن.

محمد فاکر میبیدی: بدون شک قرآن کریم مصدر اصلی تشریح و منبع اصیل فقه، حقوق و سرچشمه همه معارف عقیدتی، اخلاقی و احکام عملی است و بدین رو می‌بایست به نحو شایسته آن را شناخت و به شایستگی شناساند. به نظر می‌رسد وظیفه اول همه مراکزى که با قرآن سر و کار دارند، به خصوص مراکز تخصصی، زدودن غبار مهجوریت از ساحت مقدس قرآن است و این یک تکلیف است که می‌بایست تا سرحد امکان، مورد توجه قرار گیرد.

در گام دوم تعمیق بخشیدن و پرهیز از سطحی‌نگری، پرورش محققان برجسته، جذب نیروهای مستعد و کارآمد جهت دفاع معقول از قرآن و پاسخگویی به سؤالات و شبهات قرآنی است. مرحله سوم، تقویت انگیزه در پژوهندگان قرآنی، و تشویق آنان است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

سیدرضا مؤدب: مراکز قرآن پژوهی کانون نشر معارف قرآنی‌اند و مسئولیت مهمی را در تعمیق مطالعات قرآنی بر عهده دارند. معارف قرآنی ناب و خالص باید از مراکز قرآن پژوهی به دیگر مراکز علمی دنیا منتقل شود و آن چنان که قرآن نذیراً للعالمین است، همه انسان‌های هدایت‌خواه بتوانند از قرآن و تفسیر آن بهره ببرند. قرآن پژوهان در حوزه، لازم است نگاهی جهانی داشته، قرآن و معارف آن را برای همه انسان‌ها با همه فرهنگ‌ها نشر دهند. مسئولیت اصلی قرآن پژوهان مراکز قرآنی، زمینه‌سازی برای نشر مفاهیم قرآنی نه تنها برای شیعیان، بلکه برای همه حقیقت‌جویان است، تا از شرایط فراهم شده در جهت حرکت به سوی معنویت، بهره کامل گرفته شود. مراکز قرآنی، لازم است به دور از همه دغدغه‌های سیاسی و جناحی، به جذب قرآن پژوهان و نشر مفاهیم الهی همت گمارند.

علی احمد ناصح: پیرامون رسالت و مأموریت اصلی مراکز قرآن پژوهی، گفتنی است که کار بر روی طرح‌ها و پروژه‌های مختلف با محوریت قرآن و نیز تلاش جهت ترویج فرهنگ قرآنی در تمام سطوح و عمق بخشیدن به مباحث و تهیه امکانات اولیه برای پژوهشگران این عرصه با هدف استفاده بیشتر از توان و استعدادهایی که اگر یک جا جمع گردند و درست هدایت شوند، می‌توانند کارهای بزرگی را به سامان رسانده، نتایج و دست‌آوردهای میمون و مبارکی را حاصل کنند، می‌تواند از مأموریت‌های اصلی این مراکز باشد.

علی نصیری: نمی‌توان به این پرسش، پاسخ یک‌دست داد؛ زیرا هر یک از مراکز قرآنی با اهداف مورد نظر مؤسسان و بانیان آنان تأسیس شده است. با این حال به نظر می‌رسد چهار هدف اساسی را می‌توان برای آنان در نظر گرفت یا حداقل پی‌جویی این اهداف را از آنان انتظار داشت: ۱. ترویج آموزه‌ها علوم و معارف قرآن در میان قشرهای مختلف اجتماع؛ ۲. تعمیق مطالعات و پژوهش‌های قرآنی؛ ژرف‌بخشی به همان مسائلی که سال‌ها در زمینه قرآن مطرح بوده است؛ ۳. توسعه مطالعات و تحقیقات قرآنی. به این معنا که مسایلی جدید و نوپیدا هماهنگ با رویکرد پرسش‌ها و دستاوردهای جدید در عرصه‌های مختلف در زمینه قرآن ارائه گردد. ۴. دفاع از حریم قرآن در برابر شبهات.

نقاط قوت یا ضعف مراکز قرآن پژوهی، کیونی را در چه می‌بینید؟

علی اکبر بابایی: نقطه قوت، علاقه وافر به قرآن کریم و مباحث مربوط به آن است. نقاط ضعف، ضعف بنیة علمی، فقدان برنامه دقیق و حساب شده، بی‌اطلاعی مراکز از فعالیت‌های یکدیگر، تسلط نداشتن به زبان‌های عربی و انگلیسی، مهارت نداشتن در استفاده از رایانه و اینترنت، سطحی‌نگری و برخورد مقلدانه با مباحث است.

علی خراسانی: در خصوص نقاط قوت مراکز قرآن پژوهی می‌توان از صمیمیت و همدلی پژوهشگران این مجموعه‌ها، اخلاص آنان و عزم و همت و انگیزه بالایی که برای خدمت به قرآن و تبیین معارف و آموزه‌های آن در این پژوهشگران سراغ داریم، یاد کرد. در حوزه مدیریت نیز با تحول مثبتی مواجه هستیم. مدیریت‌های پژوهشی به ضرورت این مسئله پی‌برده‌اند که باید نسبت به قرآن و آموزه‌های آن کار جدیدی

انجام شود و نیازهای جامعه با توجه به آن، مورد بررسی قرار گرفته، بر طرف گردد. در حوزه منابع انسانی نیز در چند ساله اخیر فعالیت‌های مؤثری صورت گرفته است. برخورداری نسبی از منابع انسانی قوی و پژوهشگران فاضل و متعهد از نقاط قوت دیگری است که در این مراکز دیده می‌شود.

البته با همه پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های مختلف صورت پذیرفته، نمی‌توان نقاط ضعف را ندیده گرفت. در حوزه پژوهش‌های قرآنی نقاط ضعف چندی هم وجود دارد که می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره کرد:

انجام پروژه‌های تکراری و احیاناً دوباره کاری، عدم ارتباط وثیق و محکم میان مراکز پژوهشی، به کارگیری برخی از نیروهای ضعیف در حوزه مدیریتی و پژوهشی در بعضی از مراکز و نیز تولید پژوهش‌ها و آثار ضعیف و احیاناً بازاری در برخی از آنها از عمده‌ترین ضعف‌هایی است که می‌توان به آنها اشاره داشت.

عبدالحسین خسروپناه: مراکز قرآن پژوهی از نقاط قوت فراوان برخوردارند و پاره‌ای از ضعف‌ها را هم در آنها می‌توان دید. اما نقاط قوت مراکز پژوهشی در زمینه‌های ضروری و خلائهای فکری است که جهان اسلام با آن درگیر است و مراکز پژوهشی در این دو دهه اخیر خود را یا آرای معارضین درگیر کرده و با قوت و جسارت تمام به دفاع از آموزه‌های قرآنی پرداخته‌اند. نقاط ضعف مراکز، به چند جنبه مدیریتی و اجرایی و علمی - پژوهشی ارتباط دارد. از حیث مدیریتی و اجرایی، مراکز عمدتاً فاقد چشم‌انداز بلندمدت و رویکرد فرآنگرانه‌اند و همچنین فقدان ارتباط مراکز با یکدیگر از ضعف‌های دیگر است.

از حیث علمی - پژوهشی هم مراکز باید به دنبال یک پازل معرفتی باشند که هنوز از سوی مراکز قرآنی تدوین نشده است.

محمدعلی رضایی: نقاط قوت فعالیت‌های قرآنی فراوان است که به برخی اشاره می‌کنم:
۱. میراث گرانسنگ مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمان در طول ۱۴ قرن در اختیار ما است.

۲. نیروی جوان، پرتوان و پرنشاط که در حوزه موجود است.

۳. شرایط حاکم بر کشور که توجه به قرآن و تولید علم را ترویج می کند و شرایط حاکم بر حوزه که رویکرد تخصصی دارد و مسئولان و برخی مراجع تقلید که به صورت جدی از حرکت قرآن پژوهان حوزه حمایت می کنند.

نقاط ضعف فعالیت های قرآنی و قرآن پژوهی عبارتند از:

۱. آسیب های روش شناختی؛ از قبیل خلط تحقیق با اطلاع رسانی آموزشی و ترویجی، خلط گستره علوم و روش های آن، خلط یافته ها با اطلاعات، عدم آگاهی کافی از روش های نوین تحقیق، طرح مسائل متعدد در تحقیق واحد، حصر گرایی در تبیین و نفی دیدگاه های رقیب که به صورت طولی مطرح شده است، تفسیر مسبوق به نظریه، عدم توجه به تاریخ علم، پرداختن بیش از حد به مباحث نظری و دور شدن از مباحث کاربردی و راهبردی، عدم توجه به ویرایش آثار.

۲. آسیب های روان شناختی؛ از قبیل ترس از ابراز عقیده و نظریه پردازی، روحیه سطحی نگری در تحقیق، ضعف روحیه نقدپذیری و نقادی، شخص محوری و تمایل به تحقیقات فردی، عدم رعایت اخلاق حرفه ای پژوهش، نوگریزی، منفی بافی به جای تحقیق و نقد سازنده، شتاب زدگی در تحقیق و نظریه پردازی، افراط و تفریط در برخورد با افکار دیگران، خود سانسوری، مرعوب بیگانگان شدن (غرب زدگی)، تعصب های قومی و مذهبی.

۳. آسیب های جامعه شناختی؛ از قبیل چند شغل بودن محققان، نبودن امنیت شغلی برای محققان نوپرداز و نظریه پردازان، تحجر گرایی، جناح بازی های سیاسی در حوزه پژوهش های قرآنی، عوام زدگی، نقد منفعلانه نه فعال، حیرت پراکنی در نسل نو، خطا در تعبیر چالش ها، انقطاع نسل ها.

۴. آسیب های مدیریتی و اجرایی؛ از قبیل کمبود نیروهای متخصص، تراکم مؤسسات پژوهشی در مقایسه با پژوهشگران، کمبودهای اقتصادی و عدم حمایت مالی از پژوهش و پژوهشگران، چند شغل داشتن مدیران، واگذاری امور به افراد غیر متخصص در مدیریت پژوهشی، افراط و تفریط در وضع ضوابط و مقررات پژوهشی، یک طرفه بودن قراردادهای پژوهشی و بی ثباتی آنها، عدم هماهنگی و تعامل مراکز پژوهشی و نهادهای نظام اسلامی، کم توجهی به ابزارهای پژوهشی جدید و فراهم نکردن آنها.

۵. آسیب های علمی؛ از قبیل نداشتن تصور مناسب از پژوهش و نقد، رعایت نکردن

اصل مسبوقیت پژوهش به آموزش، عدم شناخت ساختار زبان قرآن، مطالعات تاریخی و فلسفی... بدون توجه به پیامدهای آن در عصر حاضر، دخالت افراد غیرمتخصص در پژوهش‌های قرآنی، فراهم نشدن فرصت‌های مطالعاتی برای قرآن‌پژوهان، عدم تسلط قرآن‌پژوهان به زبان دوم و سوم، کمبود کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی، کمبود نشست‌های علمی و نقد کتاب و نظریه‌پردازی، دوی جستن از ژرف کاوی.

البته ممکن است همه این امور در همه مراکز و فعالیت‌های قرآنی نباشد، اما کم و بیش در برخی پژوهش‌های قرآنی دیده می‌شود.

محمد فاکر میبیدی: مهم‌ترین نقطه قوت این مراکز وجود افراد شایسته و علاقه‌مند به مباحث و تحقیقات قرآنی است که اخیراً در بین دانش‌پژوهان مشاهده می‌شود. از طرفی وجود منابع غنی در این زمینه از نقاط مثبت و قوت به شمار می‌رود که باید در جذب این نیروها کارهای بیشتری صورت گیرد. اما متأسفانه کمبودهای فراوانی نیز در این زمینه وجود دارد؛

۱. عدم تعامل و همفکری در میان مراکز موجود. البته برخی از امور ناشی از

تفاوت ماهوی میان مراکز می‌باشد؛

۲. سطحی بودن برخی تحقیقات و تکراری بودن آن؛

۳. عدم اطلاع‌رسانی کامل و کافی و به موقع در مراکز؛

۴. نبود حلقه اتصال در بین مراکز قرآنی؛

۵. انحصاری شدن پژوهش‌های قرآنی در گروه‌ها و افراد خاص؛

۶. نداشتن راهنما و مشاور مناسب و نکته‌سنج. به دیگر سخن کمبود یا فقدان

اساتید مبرز و کارآمد؛

۷. پاسخگو نبودن بسیاری از تحقیقات به نیازها و شبهات روز جامعه؛

۸. موازی کاری. البته توسعه هم‌عرض و تعدد مراکز برای افرادی که به هر

دلیل نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند با مراکز خاصی ارتباط داشته باشند، اشکال ندارد.

سیدرضا مؤدب: مراکز قرآن‌پژوهی در محور توسعه و تعمیق، رشد کافی نداشته و از امکانات و سرمایه‌های علمی، ساختاری و مالی، کم‌بهره‌اند و از این جهت دچار ضعف شدید هستند.

سازماندهی، مدیریت و هماهنگی در بین مراکز کمتر مشاهده می‌شود و اهداف و سیاست‌ها برای همگان یکسان تعریف نشده است. البته نقاط قوت فراوان نیز دارند؛ مانند انگیزه‌های الهی، بهره‌مندی از متون مستند و قوی و برخورداری استادان و قرآن‌پژوهان نظریه‌پرداز.

علی احمد ناصح: مهم‌ترین ضعف به عدم تعیین حدود و ثغور و دایره فعالیت‌ها و نیز عدم تعریف کامل و مشخصی از اهداف و برنامه‌ها برمی‌گردد. چون دایره مسئولیت‌ها و فعالیت‌ها به طور کامل و موردی مشخص و تعریف شده نیست، هر مرکز و هر فردی وارد هر عرصه‌ای می‌گردد. در نتیجه بعضاً تلاش‌ها تکراری و باعث هدر رفتن توان و نیز بر زمین ماندن یک سری نیازها و عدم پاسخگویی به آنها خواهد شد. نقطه قوت این مراکز بهره‌مندی از نیروهای فاضل و فرهیخته در این عرصه است که به برکت قداست و احترام خاصی که برای کار در این زمینه قائل‌اند، حاضر به هر گونه همکاری می‌باشند.

علی نصیری: تحقیقاً نیت و انگیزه همه مراکز معرفی هر چه بیشتر قرآن به مردم و بالندگی پژوهش‌های قرآنی است. هر یک از این مراکز به هدف خدمت به قرآن در این عرصه گام نهاده‌اند. اما بحران اساسی فقدان سازمان‌دهی کلان، منسجم و هدفدار در عرصه قرآن پژوهی است. مراکز قرآنی بسان مراکز پژوهشی سایر عرصه‌های دین پژوهی، همچون حلقه‌های زنجیر جدا از هم یا دانه‌های تسبیح پاره شده عمل می‌کند. نتیجه طبیعی چنین بحرانی، موازی‌کاری، گاه ساییش و فرسایش نیروهای انسانی با پژوهش‌های غیر همسو و متعارض و... است.

پژوهش: راهکارهای عملی و توصیه‌های جدی شما برای ارتقای مراکز قرآن پژوهی چیست؟
علی اکبر بابایی: الف. شناسایی مراکز قرآن پژوهی و برنامه‌ها و فعالیت آنها در سطح کشور و اطلاع‌رسانی روزآمد؛
ب. برگزاری همایش‌ها و میدان دادن به افراد صاحب نظر و مبتکر برای ارائه پیشنهادها و راهکارهای ارتقا؛

ج. بها دادن به پژوهش‌های عمیق و مولد علم و حمایت‌های مادی و معنوی از آنان؛
د. برگزاری درس‌های تحقیقی و عمیق - در سطح درس خارج و فقه و اصول -
در زمینه مباحث علوم قرآنی و تفسیر؛
هـ. راه‌اندازی مجله علمی پژوهشی ویژه تفسیر و علوم قرآنی برای نشر مقاله‌های علمی عمیق و نوآور.

علی خراسانی: اولین راهکاری که می‌شود پیشنهاد کرد، ارتباط وثیقی است که باید بین این مراکز پدید آید تا در نتیجه از کارهای تکراری پیشگیری شود. بهره‌گیری از منابع انسانی و پژوهشگران فاضل و متعهدی که وجود دارند، از راهکارهای دیگر برای ارتقای مراکز پژوهشی است. اختصاص منابع مالی بیشتر به موضوع قرآن پژوهی، فراهم آوردن امکان تعامل بین مراکز قرآن پژوهی در داخل و خارج کشور، برپایی جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های قرآن پژوهی و همایش‌های قرآن پژوهان، توجه ویژه به پژوهش‌های انجام شده مخصوصاً پژوهش‌های روزآمد، و راه‌اندازی مراکز قرآن پژوهی در مجموعه‌های آموزشی کشور - به ویژه حوزه علمیه - از راه‌های دیگری است که به ارتقای سطح علمی مراکز قرآن پژوهی می‌انجامد.

عبدالحسین خسروپناه: راهکارهای عملی فراهانی وجود دارند؛ از جمله:

۱. تشکیل جلسات و کرسی‌های نظریه‌پردازی برای کشف خلأهای فکری - پژوهشی؛
۲. تقویت اساسی انجمن علمی قرآن و تفسیر؛
۳. تمرکز پژوهشگران و محققان قرآن پژوه بر مسائل کلیدی و اساسی قرآن و پرهیز از فعالیت‌های جزیره‌ای؛
۴. ارتباط تنگاتنگ برنامه‌ای و اجرایی مراکز قرآن پژوهی جهت جلوگیری از پراکنده‌کاری محققان و فعالیت‌های ضعیف و ناپخته و غیرمنقح.

محمدعلی رضایی: رفع نقاط ضعفی که بر شمردیم راهکار عملی تقویت قرآن پژوهی و مراکز است. ولی در این میان مسئله امکانات بحث مهمی است. ما نمی‌خواهیم مثل بعضی‌ها بگوییم خمس پول نفت را باید به حوزه بدهند و در کارهای دینی مصرف کنند؛ چون نفت در

شمار معادن است و معادن باید خممش داده بشود. این حرف را ما نمی‌زنیم. یا حداقل صلاح نیست در سطح کشور این بحث به این صورت مطرح بشود. ولی به هر حال باید سهمی از امکانات را به امور دین اختصاص داد. امروزه اروپاییان هر معامله کلانی را که انجام می‌دهند، درصدی را به تشکیلات کلیسا می‌پردازند تا برای مسائل دینی و اخلاقی شان به کار گیرند. ما در این کشور با اینکه از لحاظ شرعی هم قانونش را داریم، ولی عمل نمی‌کنیم. از سویی حتی بعضی‌ها عار می‌دانند که از امکانات موجود برای دین مردم استفاده نکنیم. مسلماً اگر از امکانات خود مردم برای دین مردم استفاده نکنیم، هم خدا، هم ملت و هم مسئولان راضی‌اند.

من با دولتی شدن حوزه مخالفم. همان‌طور که نقل شده است امام -رحمت الله علیه- در بعضی فرمایشاتشان دولتی شدن را به صلاح حوزه ندانسته‌اند. حوزه همیشه باید آزاد باشد. این مطلب کاملاً درست است؛ اما این به معنای استفاده نکردن از امکانات زمان نیست. اگر از امکانات موجود برای پیشرفت خودمان استفاده نکنیم و به تصور اینکه مبادا کسی به ما خرده بگیرد، امکاناتی را که زمانه در اختیارمان نهاده، کنار بگذاریم، بعدها باید در محضر خداوند تبارک و تعالی و ائمه اطهار، عدم پیشرفت‌هایی را که می‌توانسته است بشود و نشده است، پاسخ بگوییم. این دو را باید از هم جدا کنیم. مرز دولتی شدن حوزه یا مرز استفاده از امکانات موجود برای پیشرفت امور آموزشی و پژوهشی حوزه که در نهایت استفاده‌اش به دین و خود مردم می‌رسد، بایستی از هم جدا شوند.

اگر واقعاً می‌خواهیم پیشرفت کنیم، باید در مسائل پژوهشی سرمایه‌گذاری کنیم. سرمایه‌گذاری‌های کلان؛ مثل تشکیل یک مرکز پژوهشی مستقل و فراگیر قرآنی. ما در کشور یک پژوهشگاه قرآن نداریم. هر چند مراکز محدود و وابسته به بعضی دستگاه‌ها، گروه‌ها و افراد داریم؛ اما یک مرکز پژوهشی مستقل قرآنی نداریم. بنیادی برای دائرة المعارف نویسی قرآنی وجود ندارد. هر چند در مرکز فرهنگ و معارف قرآن دائرة المعارفی در حال تدوین است، ولی به کندی پیش می‌رود. اگر از پژوهشگران و گردانندگان این کار سترگ و ستودنی درباره علت این کندی پرسیده شود، در جواب یکی از علت‌های اصلی را کمبود امکانات می‌دانند. در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز هم اکنون دانشنامه قرآن‌شناسی با رویکرد پاسخگویی

به دایرة المعارف لایدن در حال نگارش است. انصافاً این کار هم یک عزم ملی می‌طلبد. اگر خانم مک اولیف سالی یک جلد از دایرة المعارف را بیرون می‌دهد، به دلیل امکانات و حمایت‌ها است؛ در حالی که ما الان سه سال است تلاش می‌کنیم تا یک جلد را آماده چاپ کنیم.

یکی دیگر از راه‌هایی که برای ارتقای مراکز قرآن پژوهی باید پیمود، فکر و ایده است. اگر بخواهیم مراکز قرآن پژوهی را رشد بدهیم باید در هر مرکزی افرادی باشند که فکر بکنند و ایده بدهند؛ یعنی همیشه کار عملی چاره‌ساز نیست؛ بلکه علاوه بر این به مجموعه‌ای از محققان، مدیران، و عده‌ای که فکر بکنند و ایده پردازند نیاز است.

محمد فاکر میبیدی: راهکارهای مختلفی برای این امر می‌توان در نظر گرفت که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱. ساماندهی فعالیت‌های قرآنی و برنامه‌ریزی دقیق با تشکیل ستاد عالی قرآن پژوهی؛ ۲. استفاده از ابزارهای جدید از قبیل رایانه و اینترنت؛ ۳. شناسایی و رفع نقاط ضعف؛ ۴. تجدید نظر اساسی در کمیت و کیفیت پذیرش؛ ۵. ایجاد فضاهای آموزشی مناسب؛ ۶. توجه جدی به اساتید راهنما و مشاور در تدوین پایان نامه‌های قرآنی؛ ۷. تخصیص بودجه مکفی جهت بهینه‌سازی آموزش و پژوهش؛ ۸. اختصاصی کردن فعالیت‌های مراکز؛ بدین معنا که هر مرکز بخشی از فعالیت قرآنی را بر عهده بگیرد؛ برخی آموزشی، برخی پژوهشی، برخی برنامه‌ریزی، برخی در بعد قرائت، برخی در بعد حفظ و برخی در حوزه تفسیر.

سیدرضا مؤدب: تأسیس مرکز بزرگ آموزشی - پژوهشی از طرف حوزه، با هدف هماهنگی، مدیریت و حمایت‌های مالی برای همه مراکز و برنامه‌ریزی دراز مدت و تقسیم فعالیت‌ها از جمله:

- فراهم آوردن زمینه‌های بررسی برای فرصت مطالعاتی یا سخنرانی علمی در مراکز علمی دنیا.

- تأسیس مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای در حوزه در قلمرو قرآن با ادبیات جغرافیا، علوم روز، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فیزیک، ریاضیات و ...

- تأسیس مراکز ترجمه آثار قرآنی موجود به زبان‌های روز دنیا برای همه محققان.

- ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی در مباحث علوم قرآن و تفسیر.
- فراهم آمدن زمینه در تجلیل از مفاخر و قرآن‌پژوهان.

علی احمد ناصح: مهم‌ترین راه حل را در این می‌بینم که مرکزی به عنوان هماهنگ‌کننده فعالیت‌های مراکز مختلف به صورت یک ستاد عمل نماید. در اداره و تصمیم‌گیری‌های آن مرکز، همه مراکز به شکلی سهیم باشند. در آنجا شورایی سیاست‌گذاری و هدایت و تعیین اولویت‌ها را به عهده گیرد و همه مباحث قابل طرح، بررسی و تصمیم‌گیری و نیز نظارت تا اجرای کامل صورت پذیرد. تا در نتیجه از تکرار و هدر رفتن امکانات جلوگیری شود؛ بهره‌دهی کامل صورت پذیرد و نوعی رقابت سالم نیز به وجود آید.

علی نصیری: این بحران مناسب است در مراکز کلان تصمیم‌گیری کشور نظیر شورای انقلاب فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. پیشنهاد این جانب آن است که طرحی جامع، روشمند و کلان‌نگر و ناظر به تمام عرصه‌های تحقیقات قرآنی، به هدف رساندن این دست از تحقیقات از وضع موجود به وضع مطلوب تنظیم شده، در این شورا بحث و بررسی و تصویب نهایی شود. چنین طرحی می‌تواند پژوهش‌های قرآنی را با چشم انداز حداقل بیست سیاله مطمح نظر قرار دهد و سازمان واحدی را برای نظارت، سازماندهی همه مجانبه‌مراکز متعهد قرآنی پیش‌بینی کند. همچنین عرصه‌های قرآن‌پژوهی را میان آنها به تناسب توانشان توزیع نماید.

پرسش: راه‌های تعامل و همفکری میان مراکز قرآن‌پژوهی کدامند؟

علی خراسانی: مجموعه‌ها خود باید به این نتیجه برسند که ارتباط و همکاری‌های علمی و پژوهشی خود را بیشتر کنند. سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه‌های پژوهشی مربوط، امکان‌سنجی و بهره‌گیری از منابع مالی و انسانی مشترک در راستای فعالیت‌های پژوهشی از دیگر راه‌های تعامل به شمار می‌آید؛ زیرا این امر به افزایش مشارکت، نیز تعامل و همکاری بیشتر میان آنها می‌انجامد. مراکز پژوهشی می‌بایست به طور مشترک نسبت به ایجاد کتابخانه و سایت همت کرده، از توانایی‌های همه مراکز در این جهت استفاده نمایند. تبادل تجربیات پژوهشی و پژوهشگر، برگزاری

جلسات منظم میان مراکز پژوهشی، توجه به نیازهای جامعه و بررسی این نیازها از راه‌هایی است که می‌تواند تعامل بیشتر بین مراکز پژوهشی را به ارمغان آورد.

عبدالحسین خسروپناه: تعامل و هم‌فکری میان مراکز قرآن پژوهی در امور ذیل میسر است:

۱. انجام پروژه‌های مشترک میان مراکز پژوهشی؛

۲. برگزاری جلسات مناظره میان اساتید و صاحب‌نظران مراکز؛

۳. انتشار نشریه‌های مشترک فوق تخصصی در حوزه‌های گوناگون قرآن و

تبدیل منشورات متکثر تکراری به منشورات واحد تخصصی.

محمدعلی رضایی: براساس تجربه‌ای که از بدو راه‌اندازی انجمن قرآن پژوهی به دست آورده‌ایم، یکی از راه‌های تعامل و هم‌فکری میان مراکز قرآن پژوهی، تقویت انجمن‌های حوزه است. انجمن قرآن پژوهی در طول یکساله که از تأسیس آن می‌گذرد، چندین نشست علمی داشته‌است. در این نشست‌ها افراد صاحب فکر حرفشان را زده‌اند. یک کرسی نظریه‌پردازی داشتیم که در آن حدود ۴۰ نفر از اساتید و قرآن پژوهان حضور داشتند. در این نشست، آیت‌الله معرفت نظریه «بطن قرآن» را مطرح کرد که برای اولین بار در حوزه به صورت جدی مطرح و نقد شد؛ یا مثلاً موضوع «چشم انداز بیست‌ساله تفاسیر» که صاحب‌نظران در جلسه‌ای گرد هم آمدند و به نقد و بررسی آن پرداختند. هر چند این کار یک کار نهایی نیست، ولی خود اینکه اساتید دور هم بنشینند و درباره ۲۰ سال آینده تفسیر تبادل نظر کنند، بهترین راه تعامل و تفکر در این مقوله است. بنابراین پایه‌گذاری تشکیلاتی همانند انجمن‌های علمی، از نیازهای فوری حوزه برای تعامل و هم‌فکری است.

در فرصتی که اکثر اعضای انجمن قرآن پژوهی به خدمت مقام معظم رهبری رسیدند، چندین نفر صحبت کردند، درد دل‌هایشان را گفتند و نکات و افق‌های جدیدشان را ارائه کردند. مقام معظم رهبری در این دیدار با ابراز خوشحالی از صحبت‌های دوستان، گفتند: «من اصلاً بعضی از تصورهایی که نسبت به قرآن پژوهی در حوزه داشتم تغییر کرد. اگر دیگران هم بشنوند، ممکن است تغییر بکنند».

اگر بتوانیم با تعامل و هم‌فکری در کشور چنین تأثیری بگذاریم، سرمایه بسیار

بزرگی خواهد بود و از این فرصت باید کمال استفاده را ببریم. مقام معظم رهبری نیز از چنین کارهای علمی به خوبی استقبال می کنند. بنابراین از راه های تعامل و همفکری برپایی نشست های علمی و زمینه سازی برای نظریه پردازی است.

محمد فاکر میبیدی: تعامل در هر زمان می بایست با ابزارهای خاص زمان خود باشد و در این زمان می توان مواردی را برای این تعامل و هم فکری یادآور شد.

۱. تشکیل جلسات مشترک ستادی جهت تبادل طرح ها و یافته های تحقیقاتی؛
۲. نشست های علمی مشترک و تبادل استاد و پژوهشگر. بهره مندی از محصولات یکدیگر؛ بدین معنا که محصولات پژوهشی یک مرکز در مرکز آموزشی دیگر به عنوان متن استفاده شود، و محصولات تحصیلی مرکز آموزشی به عنوان محقق و استاد در مرکز دیگر به کار گرفته شود؛
۳. استفاده از ابزارهای جدید و به روز برای تبادل اطلاعات؛
۴. همکاری و تبادل استاد و قرآن پژوه؛
۶. استفاده از نشریات و مجلات و مقالات و نرم افزارها و دیگر محصولات.

سیدرضا مؤدب: برای هم فکری، مدیریت واحد، لازم به نظر می رسد و در کنار آن هم از پیش بینی مراکز قرآن و تعریف پروژه های مشترک علمی و همکاری محققان مراکز با یکدیگر، و نشر مجله مشترک، مناسب است.

علی احمد ناصح: برگزاری نشست ها و کار بر روی پروژه های مشترک، تبادل اطلاعات و دست آوردها، معرفی طرح ها و ایجاد زمینه برای دستیابی بهتر محققان یک مرکز از امکانات دیگر مراکز، می تواند از جمله این راه ها باشد.

علی نصیری: وجود سازمان قرآنی کشور بر اساس پیشنهاد پیش گفته، شرط اساسی تعامل و هم فکری است. در کنار این امر برگزاری همایش های علمی و تعاطی افکار و نیز نشست های معارفه مراکز، انتشار خبرنامه ویژه اطلاع رسانی جامع ناظر به این مراکز و توسعه شبکه های رادیویی و تلویزیونی ناظر به عرصه قرآن از راهکاری مؤثر برای تعامل و هم فکری است.

آنچه در این بین قابل تذکر است، اهتمام به این نکته است که مادامی که من ما تبدیل به ما نشود، و تا زمانی که خدای ناکرده به جای ترویج قرآن و بزرگداشت دین و شعائر الهی، خود و مراکز خود هدف اصلی یا حتی تبعی و تضمینی باشد و در یک کلمه، ناب و خالص و ذوب شده در قرآن، به این عرصه خطیر گام نگذاریم و بلند کردن نام قرآن و عینیت بخشیدن به آموزه های آن در جای جای اجتماع را حتی با گمنامی کامل خود طالب نباشیم، شاید در اهداف خود و اصل همگرایی توفیق چندانی فراچنگ نخواهیم آورد؛ که قرآن فرمود: **الا لله الدین الخالص**. اروپائیان و غربیان برای دستیابی به دانش این جهانی و سیطره به عالم طبیعت به اصل همگرایی و ذوب شدن در یکدیگر و کار جمعی به خوبی پی برده و نتایج درخشانی گرفته اند. چرا ما این تجربه را در مقدس ترین عرصه مطالعات و تحقیقات دینی یعنی قرآن تکرار نکنیم. مقصودم از این سخنان انکار سطحی از روحیه همگرایی موجود نیست؛ بلکه تأکیدی کمال بخش به آن است.

پژوهشی: ارزیابی و نظارت بر عملکرد مراکز قرآن پژوهی چگونه است و چه نهادی متکفل آن است یا می تواند باشد؟

علی اکبر بابایی: ارزیابی و نظارتی وجود ندارد. می توان با دعوت از افرادی که سابقه تحقیق، تألیف و فعالیت علمی بیشتری در مباحث علوم قرآنی و تفسیر داشته اند، کمیته ای تشکیل و بودجه و امکاناتی در اختیار آنها قرار داد و از مراکز قرآن پژوهی خواست که برنامه ها و محصولات علمی خود را برای ارزیابی به آن مراکز بفرستند.

علی خراسانی: چگونگی ارزیابی و نظارت بر عملکرد مراکز قرآن پژوهی و اینکه چه نهادی باید متکفل آن باشد، متفاوت است. به نظر می رسد در مراکز آموزشی نسبت به فعالیت های پژوهشی که انجام می شود بالطبع آموزش عالی می تواند نظارت داشته باشد. در مراکز حوزوی این وظیفه می تواند بر عهده کمیته ای مرکب از این مراکز گذاشته شود تا در این جهت نقش نظارتی داشته باشد. تجربه نشان داده است که یک مرکز خاص به تنهایی نمی تواند در ایجاد هماهنگی موفق باشد. مراکز، باید خود به این نتیجه برسند و با جلساتی که برگزار می کنند، در این جهت تأثیر گذار باشند.

عبدالحسین خسروپناه: ارزیابی و نظارت بر عملکرد مراکز قرآن پژوهی بدون تصمیم‌گیری بر منابع مالی مشترک میسر نیست؛ یعنی تنها نهادی می‌تواند درباره عملکرد مراکز اظهار نظر کند که منابع مالی آنها را بر عهده گیرد. اینکه بارها حوزه علمی در صدد برآمد تا نظارت مراکز پژوهشی را به عهده گیرد و جلسات متعدد هم با مدیران آنها برگزار کرد و ناکام ماند، بدان جهت بود که سرچشمه مالی آن مراکز در خارج حوزه بود. البته معاونت پژوهشی حوزه می‌تواند در اطلاع‌رسانی دقیق و ایجاد ترابط بین مراکز، بخشی از کارکرد نظارت - از جمله جلوگیری از فعالیت‌های تکراری، غیر لازم و ضروری - را محقق سازد.

محمدعلی رضایی: ارزیابی و نظارت بر عملکرد مراکز قرآن پژوهی مسئله مهمی است. برای پیش‌گیری از کارهای ضعیف و احیاناً مغایر با اصول و مبانی دین، باید نهادی وجود داشته باشد که از انتشار آثاری که موجب سستی مذهب و پایه‌های آن می‌شود، جلوگیری کند. به دلیل نبود نظارت بر عرضه آثار، چه بسیار کتاب‌هایی که چاپ می‌شود و زحمت چندین ساله عالمان شیعه را بر باد می‌دهد. به تازگی کتابی چاپ شد که موضوعات مطرح شده در آن بر تحریف قرآن دلالت دارد. موضوعی که بسیاری از اندیشمندان شیعه را بر آن داشت تا در زمینه تحریف‌ناپذیری قرآن، کتاب و آثار بسیاری به قلم آورند. بدیهی است اگر مرکزی برای کنترل و نظارت بر کیفیت آثار وجود داشته باشد، چنین کارهایی رخ نخواهد داد.

امروزه کارها تخصصی شده است. مثلاً کتاب‌های کلامی را باید یک گروه کلامی، کتاب‌های قرآنی را یک گروه قرآنی با یک نظارت و استانداردها و ضوابط حداقلی ارزیابی نمایند؛ سپس عرضه شوند. البته باید اذعان داشت که نویسندگان فرق می‌کنند. ممکن است نویسنده‌ای به گونه‌ای بنویسد که اثرش کتاب سال حوزه بشود، ولی نویسنده‌ای دیگر طوری بنگارد که کتاب عادی بشود. بنابراین نباید جلوی انتشار کتاب عادی را گرفت، ولی باید بر کتابی که به شیعه ضربه می‌زند، یا از لحاظ علمی موجب وهن است، نظارت بشود. آنچه گفتیم راجع به نظارت بر چاپ کتاب بود. روی بقیه مسائل علمی هم باید نوعی نظارت وجود داشته باشد. نظارت‌های علمی را - که فکر می‌کنم مقصود شما بیشتر این بعد قضیه بوده - امروزه نمی‌شود دستوری کرد. به عبارت دیگر وقتی

می‌گوییم مثلاً استاد حوزه یا پژوهشگر حوزه باید فکرش سالم باشد، این حرف خوبی است و لازم هم هست. منتها اعمال این نظارت چگونه باید باشد؟ این از اصل مطلب خیلی مهم تر و بلکه مشکل تر است. نظارت بر سلامت فکری یک استاد یا یک پژوهشگر با امر و نهی نمی‌شود. بلکه مجموعه‌ای علمی باید باشد که حداقل در حد او بوده و سخن او را بفهمد و چنانچه به او چیزی گفتند، به او بر نخورد و اگر جوابی داد، پاسخ علمی بگیرد. نظارت بر عملکرد مراکز قرآن پژوهی باید با یک نهاد علمی برخاسته از خود اینها باشد. وقتی یک نهاد علمی صالح بر آنها نظارت بکند، چنانچه دچار اشتباهی شوند، جلسه‌ی مناظره علمی می‌گذارند و از راه‌های خاص خود و با ظرافت‌های علمی، مسائل را حل و فصل می‌کنند. به عبارت دیگر وقتی دیدگاه پژوهشگری را در یک جلسه‌ی نقد و بررسی با حضور ده نفر صاحب نظر به چالش کشانیدیم و او اشکال‌ها و نقدها را وارد دانست، طبیعتاً از نظرش برمی‌گردد؛ زیرا پژوهشگر به دنبال حق است. نتیجه اینکه نظارت در مسائل علمی باید عالمانه باشد.

محمد فاکر میبیدی: مع الاسف سازمانی یا نهادی که عهده دار امر نظارت بر فعالیت‌های قرآنی باشد، اکنون وجود ندارد. البته در حوزه چاپ و نشر قرآن تا حد بسیاری این امر وجود دارد؛ لیکن در دیگر حوزه‌ها، به خصوص در حوزه نشر کتب قرآنی و تفسیری فعالیت‌های قرآنی بدون نظارت صورت می‌گیرد. همچنین در حوزه آموزش و پژوهش تنها در آغاز کار و تصویب برنامه ممکن است نظارتی بر تصویب مواد درسی و عناوین تحقیقی وجود داشته باشد، اما در ادامه کار اندک اندک کمرنگ شده، به صفر نیز می‌رسد. بنابراین نظارت بر فعالیت‌های این گونه مراکز از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است و می‌طلبد که در این ارتباط نهادی قوی و کارآمد با جمع‌آوری اطلاعات کافی از مراکز قرآنی و نیز رشته‌ها و گرایش‌های قرآنی دانشگاه‌ها و با تشکیل کمیته‌های تخصصی این فعالیت‌ها را زیر پوشش خود قرار دهد و آنها را تقویت نماید.

به نظر می‌رسد نهادی که بتواند به عنوان ستاد عالی و ناظر عمل نماید، شورای مرکب از نهادهایی مرتبط با فعالیت‌های قرآنی حوزه و دانشگاه است. ترکیب این شورا می‌تواند به صورت زیر باشد: ۱. نماینده حوزه علمی قم، ترجیحاً از مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن؛ ۲. نماینده حوزه علمی خاوران و جامعه الزهراء.

۳. نماینده مرکز جهانی علوم اسلامی؛ ۴. نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
۵. نماینده وزارت آموزش و پرورش؛ ۶. نماینده وزارت ارشاد، ترجیحاً از دانشکده علوم
قرآنی؛ ۷. نماینده نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها؛ ۸. نماینده صدا و
سیما؛ ۹. نماینده دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۰. نماینده سازمان تبلیغات اسلامی.
ضمناً نظارت می‌تواند در امور زیر باشد: نظارت بر منابع درسی و تحقیقاتی؛
نظارت بر تدوین متون درسی، تفسیری و قرآنی؛ نظارت بر تدوین برنامه‌های درسی و
تحقیقاتی؛ نظارت بر تحقیقات قرآنی و مقالات؛ نظارت بر نشر کتب قرآنی؛ نظارت بر
مسابقات سراسری قرآنی.

سیدرضا مؤدب: ارزیابی و نظارت، در مرحله نخست متقابل و عمومی است و همواره
وجود داشته است و نتایج هر مرکزی همواره مورد قضاوت دیگران بوده است؛ ولی
لازم است آن چنان که گفتیم، یک مؤسسه آموزشی - پژوهشی از طرف حوزه تأسیس و
با مدیریت کلان و علمی، بر فعالیت‌های قرآن پژوهان نظارت و در موارد لازم برخورد
مناسب - مانند بررسی جلسات نقد، مناظره و گفت و گوی متقابل - داشته باشد، تا از نشر
برخی آثار منحرف جلوگیری شود و تحقیقات و آثار علمی، مستند و معتبر و جدید باشد.

علی احمد ناصح: متأسفانه در حال حاضر چنین نهادی عملاً وجود ندارد، و این همان
خلأ و نقطه ضعف بزرگی است که به ضرورت آن در پاسخ سؤال دوم اشاره گردید. اگر
مرکزی به دور از تنگ نظری‌ها و جناح‌بازی‌ها به شکلی فراگیر، با حضور کلیه
صاحب‌نظران در این عرصه و نیز با مشارکت جدی مراکز ذی‌ربط شکل گیرد و همگی
احساس مشارکت جدی نسبت به تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های آن داشته باشند،
می‌تواند کار نظارت و ارزیابی و نیز سیاست‌گذاری و هدایت همه مراکز را به عهده
گیرد. در چنین مرکزی، همه طرح‌ها می‌تواند مورد مطالعه جدی قرار گیرد و در
صورت تصویب و ضرورت پرداختن به آن، امکانات لازم تهیه و مجری شایسته تعیین
و کار تا پایان پی‌گیری شود.

علی نصیری: در طرحی که پیشنهاد داده‌ام، این نظارت و ارزیابی قابل اجرا است.

نقش و رسالت مدیریت حوزه - به ویژه معاونت پژوهشی - در سامان‌دهی فعالیت‌های قرآن پژوهی چیست؟

علی اکبر بابایی: به گمان حقیر نقش مدیریت حوزه در این مورد تاکنون بسیار ضعیف بوده است، ولی شاید مناسب‌ترین نهاد برای تحقق پیشنهادهای فوق معاونت پژوهشی حوزه باشد.

علی خراسانی: بدون تردید مدیریت حوزه در خصوص مراکز پژوهشی و به‌ویژه پژوهش‌های قرآنی می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد. بیشترین رویکرد حوزه به مباحث قرآن و بحث‌های تفسیر بعد از انقلاب بوده است. از این رو فعالیت‌های قرآنی نیازمند توجه بیشتری است تا بتواند به جایگاه واقعی خود دست یابد. برای نیل به این هدف، مدیریت حوزه می‌تواند دروس معارف قرآنی را در برنامه آموزشی سطوح مختلف بگنجانند. بی‌تردید اگر در سطوح پایین‌تر به تفسیر و معارف قرآن توجه بیشتری بشود، در سطوح بالاتر دغدغه طلبه‌ها در این جهت بیشتر خواهد شد و نتایج بسیار خوبی را به دنبال خواهد داشت.

نقش دیگری که مدیریت حوزه می‌تواند داشته باشد، نسبت به نیازهای پژوهشی و ضرورت‌های پژوهشی است. اگر مدیریت حوزه بتواند طلاب حوزه را با چالش‌ها و نیازهای موجود در عرصه تفسیر و معارف قرآن، درگیر سازد، بسیاری از طلبه‌های فاضل حوزه با دیدن این چالش‌ها و مشکلات، نیازهای جامعه را در سطوح مختلف حتی سطح جهانی احساس کرده، دست به کار می‌شوند و در این زمینه به پژوهش می‌پردازند و چه بسا آثار خوبی را ارائه و عرضه می‌کنند.

نقش دیگری که مدیریت حوزه می‌تواند داشته باشد، حمایت مادی و معنوی از پژوهشگران است. اگر این حمایت وجود داشته باشد، حوزویان بیشتر تشویق می‌شوند تا در این عرصه قدم بردارند. برگزاری همایش و جلسات تشویق و تجلیل از پژوهشگران قرآنی از راهکارهایی است که مدیریت حوزه می‌تواند در این جهت نقش داشته باشد. انتخاب آثار برگزیده قرآنی، مطمئناً می‌تواند به تشویق بیشتر اهل قلم و پژوهشگران و قرآن‌پژوهان بینجامد. از نکات دیگری که باید بر آن تأکید ورزید و مدیریت حوزه می‌تواند در این جهت تأثیرگذار باشد، موضوع پایان‌نامه‌ها است. موضوعات بیشتری را می‌توان به مباحث قرآنی اختصاص داد و به آن توجه بیشتری

کرد تا طلاب علاقه‌مند به مطالعات قرآنی، بتوانند تحقیقات بیشتری را در حول مباحث قرآن پدید آورند. مدیریت حوزه می‌تواند با یک برنامه‌ریزی دقیق و ارتباط با مراکز قرآن پژوهی بسیاری از تنگناهایی که امروزه برای راهنمایی این پایان‌نامه‌ها و داوری آنها وجود دارد، برطرف کند؛ در نتیجه، هر سال شاهد ده‌ها و بلکه صدها پایان‌نامه قرآنی خواهیم بود. تردیدی نیست اگر طلبه‌ها در این زمینه وارد بشوند و دغدغه بحث‌های قرآنی و موضوعات قرآنی داشته باشند، سربلند بیرون می‌آیند و تحقیقات بسیار عمیق و ژرفی را انجام خواهند داد. امروزه بسیاری از طلبه‌ها با آموزش‌هایی که دیده‌اند، می‌توانند به زبان روز بنویسند. بالطبع نیازهای جامعه اسلامی و بلکه جامعه جهانی با این تحقیقات و با این موضوعات قرآنی که انجام خواهد شد، تا حدی پاسخ داده می‌شود و تحولی علمی در سطح پژوهش‌های قرآنی رخ خواهد داد. ان شاء الله

عبدالحسین خسروپناه؛ مرکز مدیریت و معاونت پژوهشی حوزه در رشد و بالندگی و سامان‌دهی فعالیت‌های قرآنی با توجه به وظایف ذیل می‌تواند، مؤثر باشد:

۱. برگزاری جلسات متعدد میان مدیران مراکز و گروه‌های پژوهشی قرآنی، جهت هماهنگ‌سازی و تعیین سیاست‌ها و اصول راهبردی و چشم‌انداز و برنامه‌های سامان‌دهی پژوهش‌های قرآنی که متوجه علوم قرآنی است
۲. در معرض قرار دادن فعالیت‌های انجام‌شده پژوهشی و طرح‌های در دست اقدام قرآنی، به صورت نمایشگاه سالانه جهت اطلاع‌رسانی به محققان قرآن پژوه.
۳. برگزاری همایش تخصصی کتاب سال حوزه با هدف قدردانی از پژوهشگران قرآنی، و معرفی آثار ممتاز.

۴. پشتیبانی از مراکز قرآنی جهت برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی.
۵. همکاری در چاپ و نشر آثار ارزشمند قرآنی و حمایت مناسب از محققان قرآن پژوه.

محمدعلی رضایی؛ در جلسه‌ای که ۱۷/۱۲/۸۳ در محضر مقام معظم رهبری بودیم، پیشنهاد تشکیل مرکز هماهنگی مراکز پژوهشی مطرح شد که با استقبال ایشان رو به رو شد و تأکید کردند که مرکز مدیریت حوزه هر چه زودتر تکلیف این کار را روشن سازد. انصافاً هم حق با ایشان بود؛ چون هفتصد نهاد قرآنی در سطح کشور داریم که

هدایت آنها تشکیلات مفصلی مثل سازمان تبلیغات را می‌طلبد؛ ولی در حوزه - با نهادهای پژوهشی و آموزشی خود - سامان دهی آن راحت تر و آسان تر است. به هر حال به نظر می‌رسد مدیریت حوزه - به ویژه معاونت پژوهشی - در این زمینه باید نقش جدی داشته باشد. به نظر می‌رسد بهترین کار، راه اندازی انجمن های علمی است یا حداقل می‌تواند یکی از گزینه های خوب در این زمینه باشد. ما خود در انجمن قرآن پژوهی از آغاز سعی کردیم مراکز آموزشی و پژوهشی سطح قم را به نحوی در هیئت مؤسس و هیئت مدیره شریک بکنیم. مدیریت حوزه و معاونت پژوهشی و بازوهایشان باید این کار را انجام بدهند. البته این دستوری نیست، یعنی این طوری نیست که دستور بدهی که فردا تمام مراکز پژوهشی - آموزشی قم باید جمع بشوند و فلان کار را انجام بدهند یا فلان کار را انجام ندهند. آنها باید خودشان را تشکل بدهند. این مراکز نیروهای علمی و فکری و سرمایه های حوزه هستند. خودشان باید کارهایشان را سازمان بدهند؛ از کارهای تکراری و انحرافی بپرهیزند و امکانات را متناسب با توان و نیاز مراکز تقسیم نمایند. باید کاری کرد که مراکز از درون کارشان را سامان بدهند و مدیریت حوزه و معاونت پژوهشی، نقش هدایتی و حمایتی داشته باشد. البته باید این نکته را یادآور شد که مرکز مدیریت حوزه، نهادی قانونی و شرعی است و باید از آن اطاعت بشود. بنابراین ممکن است در یک بخش دستوری عمل بکند و در بخش دیگر هدایتی و حمایتی. سخن بر سر نوع عملکرد است که به تناسب موضوع فرق خواهد کرد.

سیدرضا مؤدب: مدیریت حوزه به ویژه بخش معاونت پژوهشی، نقش مهمی را در هماهنگی و هم اندیشی بین محققان حوزه مطالعات قرآنی دارد. این مرکز با اقدام شایسته خود در تشکیل انجمن قرآن پژوهان، توانسته است جمعی از مرزبانان حوزه قرآن را در کنار هم گرد آورد؛ ولی انجمن نیازمند حمایت های مالی و مدیریتی است تا پیشرفت مناسب را دارا باشد. مدیریت پژوهشی حوزه با تقویت و نظارت بر فعالیت انجمن ها و فراهم سازی هم اندیشی بین انجمن های قرآن، کلام و... می‌تواند تعامل فکری ایجاد نماید تا حاصل پیوند اعضای انجمن و پیوند آنها با دیگر انجمن ها، تولید علم را سرعت بخشد. از دیگر اقدامات زیننده معاونت پژوهشی، تشویق زمینه سازان فعالیت و تحقیقات جمعی و گروهی است که خواهد توانست از تضارب و تقارب اندیشه ها، نظریه پردازی جدید، شکل بگیرد.